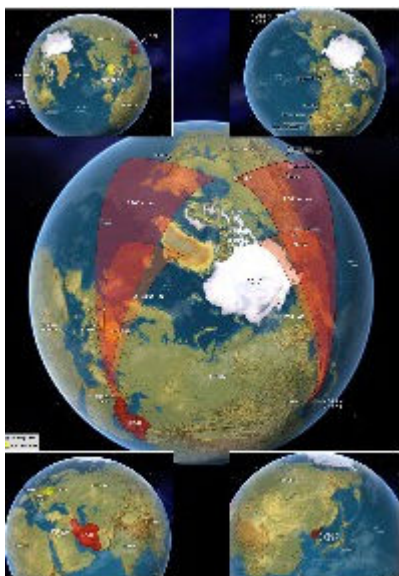


## نقش ایران در بازی واشنگتن با مسکو

حسن بهشتی پور



مقاله زیر که روز شنبه یازدهم مهر (سوم اکتبر) جاری در وبستان شخصی ایشان ([beheshtipour.blogfa.com](http://beheshtipour.blogfa.com)) منتشر گردید، از این وبستان عاریت گرفته شده است.

### مقدمه:

پس از اعلام تعلیق اجرای طرح سپر دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک در شرق اروپا از سوی اوپاما رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، بار دیگر بحث روابط روسیه و آمریکا وارد (مرحله) جدیدی شد. سنوال اصلی در این مرحله آن است

که آیا آمریکا طرح سپر دفاع موشکی خود را که بخشی از استراتژی (راهبرد) امنیت بین المللی این کشور در آغاز قرن ۲۱ میلادی بوده است برای همیشه کنار گذارده است؟ یا آنکه این اقدام مانور تاکتیکی برای همسو سازی روسیه در قضیه پرونده هسته ای ایران بوده است؟ البته در این زمینه سوالات اساسی تری نیز مطرح است، که در این مقال فرصتی برای مطرح کردن همه آنها نیست.

### پیشینه بحث:

از بهمن ماه ۱۳۸۵ (فوریه ۲۰۰۷) با سخنرانی تاریخی پوتین در اجلاس بین المللی امنیت جهانی در مونیخ آلمان، اختلاف نظر بین بوش و پوتین بالا گرفت و به تبع آن، ادبیات نسبتاً دوستانه دو طرف به مطرح کردن انتقادات صریح و بی پرده از یکدیگر تبدیل شد. از همین زمان بار دیگر مباحث نظری درباره احیای جنگ سرد در محافل سیاسی رسانه ای و دانشگاهی مطرح شد. این سؤال مهم را در برابر صاحب نظران قرارداد که آیا جهان شاهد احیای جنگ سرد جدیدی با ابعاد خطرناک در سال های آتی خواهد بود؟

روسیه به دلیل بهبود شرایط اقتصادی و امنیت داخلی خود از سال ۸۶ (۲۰۰۷) توانست فضای جدیدی را در مناسبات خود با آمریکا از لحاظ سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی تجربه کند. تقریباً از اوایل سال روسیه قادر به مانور سیاسی با آمریکا شد. به همین جهت توجه خود را از يك طرف به شرق معطوف کرد. در همین راستا با چینی ها در چارچوب تقویت هرچه بیشتر سازمان شانگهای پیش رفت، و با هندی ها هم از لحاظ نظامی و اقتصادی مناسبات گسترده و نزدیکتری را ایجاد کرد.

### مرکز غنی سازی در حومه شهر قم



به طوری که اگر اختلاف های موجود میان چین و هند حل می شد، همکاری استراتژیک سه جانبه ای بین مسکو، پکن و دهلی شکل می گرفت.

علاوه بر این روسیه با نزدیک شدن به آلمان و فرانسه همکاری جدیدی را با اروپا در چارچوب اتحادیه اروپا منهای انگلیس آغاز کرد. اما در این مسیر هم به دلیل سنگ اندازی و کارشکنی آمریکا و هم به دلیل بد

گمانی بعضی از اعضای جدید اتحادیه اروپا بخاطر جنگ در اوستیای جنوبی، موفقیت قابل قبولی به دست نیاورد. پیشروی آمریکا به سمت حوزه های سنتی نفوذ روسیه در اروپای شرقی و قفقاز بدون توجه به نگرانی مسکو و در همان حال با به کارگیری اهرم های فشار مانند اجرای طرح سپر دفاع موشکی در لهستان و چک، روسیه را به واکنش همه جانبه در برابر سیاست یکجانبه گرایی آمریکا وادار ساخت. در واقع مناسبات واشنگتن و مسکو از سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) در سطح بین المللی وارد دوران جدیدی شد، که از آن می توان به «دوران پس از صلح سرد» یاد کرد. اما با ابعاد و مشخصات تازه ای که در سطح منطقه ای و دوجانبه قابل تفسیر و تبیین است.

با روی کار آمدن اوباما در کاخ سفید از اول بهمن ماه ۱۳۸۷ (۲۰ فوریه ۲۰۰۹) پس از گذشت دو سال از اجلاس مونیخ، فضای جدیدی بر مناسبات دو کشور برقرار شد. چراکه دولت اوباما تقریباً محافظه کاری های گذشته را به کنار نهاد، و با استراتژی تغییر در روابط دو طرف در تیرماه ۱۳۸۸ (ژوئیه ۲۰۰۹) به مسکو سفر کرد. در این دوران ظاهراً آمریکا سرکوب چینی ها را در روسیه نادیده می گیرد، و روسیه متقابلاً به جریان مقابله آمریکایی ها در افغانستان با طالبان کمک می کند. آمریکا سیاست پی گیری عضویت اوکراین و گرجستان در ناتو و طرح استقرار سپر دفاع موشکی را موقتا کنار گذاشته تا با ایجاد تغییرات برنامه ریزی شده روسیه را به همکاری بیشتر با آمریکا درباره ایران و افغانستان ترغیب کند. روسیه نیز متقابلاً با ایجاد تحرکات جدید در دیپلماسی خود از طریق گسترش روابط با کشورهای عربی طرفدار غرب و کشورهای منتقد جدی ایالات متحده در آمریکای لاتین تلاش می کند وارد حوزه های سنتی نفوذ آمریکا شود. این حرکت جدید علاوه بر آنکه نفوذ سیاسی روسیه را افزایش می دهد، بازار خوبی را برای فروش تسلیحات روسیه فراهم کرده است.